

نخستین خطبه فتح قدس

در حضور صلاح‌الدین ایوبی

از: دکتر نورالله کسائی

سرزمین فلسطین و شهر باستانی بیت‌المقدس از کهن‌ترین مراکز روحانی و مقدس جهان است که در تاریخ ادیان آسمانی اسلام و مسیحیت و یهود و نزد پیروان این ادیان پایگاهی معتبر و مقامی بسیار شامخ دارد. پیش از آنکه مسجد الحرام در مکه^۱ معظمه قبله مسلمانان شود، پیامبر اسلام (ص) تا حدود هفده ماه پس از هجرت به سوی مسجد الاقصی نماز می‌گزارد^۱. رابطه^۲ رویداد اسراء یا معراج رسول‌الله (ص) با مسجد اقصی بر روحانیت و قداست قدس افزود و مسجد اقصی و قبه الصخره را در شمار اماکن متبرکه^۳ اسلامی و زیارتگاه مسلمانان قرار داد^۲. مقام ابراهیم خلیل و تنی چند از انبیاء عظام و نیز دیوار ندبه و کلیسای قبر مقدس یا کلیسای قیامت در قدس از جمله معابد یهود و نصاری است^۳.

مقارن ظهور اسلام شهر قدس (اورشلیم) و دیگر شهرهای واقع در دره رود اردن و فلسطین و سوریه عرصه برخورد سپاهیان ایران و روم بود. خسرو پرویز ساسانی در سال ۶۱۴ م، بر قدس دست یافت و صلیب حضرت عیسی را به تیسفون پایتخت ایران ساسانی انتقال داد تا با دیگر هراکلیوس امپراتور روم شرقی (۶۱۰ - ۶۴۱ م) فلسطین و سوریه را متصرف شد و صلیب را از تیسفون به بیت‌المقدس برد^۴.

با گسترش دامنه فتوح اسلامی در زمان عمر بن الخطاب خلیفه دوم (۱۳ - ۲۴ هـ ق) شهر قدس (= ایلیا) در سال ۱۵ یا ۱۶ هـ ق = ۶۳۷ م از قلمرو روم شرقی جدا شد و به تصرف سپاه اسلام درآمد و خلیفه دوم برای عقد پیمان صلح با مسیحیان خود راهی آن دیار شد^۵.

۱ - سیرت رسول‌الله، ج ۲، ص ۵۳۵.

۲ - تفسیر سروه اسراء در رابطه با معراج که در شرح خطبه قدس اشاره خواهد شد.

۳ - معجم البلدان یا قوت، ج ۵، ص ۱۶۶ تا ۱۷۲.

۴ - تاریخ اورشلیم (بیت‌المقدس) ص ۱۸۶.

۵ - تاریخ اسلام، ج ۲، ص ۴۹۹ تا ۵۰۱.

رفنار ساده و بی‌پیرایه خلیفه به‌هنگام ورود به‌قدس و مهربانی او در حق پیشوایان نصاری و سکنه شهر قوم مغلوب را به شگفت انداخت و آنان را به‌زندگی آرام در پناه اسلام امیدوار ساخت .

قدس در دوره اسلامی رونق و اعتباری به‌کمال یافت ، خلفا و سلاطین و امرای اسلامی به پاس حرمت روحانیت این مرکز عبادی هرکدام در توسعه و نوسازی بناها و مساجد کهن و تأسیس مساجد و مدارس جدید اهتمام ورزیدند . و دانشمندان و مورخان مسلمان در وصف قدس و سوابق تاریخی و اجتماعی و مذهبی آن آثار ارزنده‌ای به‌یادگار نهادند ^۱ . با تأسیس حکومت‌های مستقل از حیطه خلافت عباسی در ایران اسلامی از اوائل سده سوم هجری ، حکومت‌هایی از این دست نیز حدود نیم قرن پس از آن در مناطق شام و فلسطین و مصر تشکیل شد . خلفای شیعی اسماعیلی (= فاطمی) از بااقتدارترین سلسله‌های بودند که به حکومت طولونیان بر این دیار پایان دادند و حدود سه قرن (۲۹۷ - ۵۶۷ هـ ق) بر شمال آفریقا ، یمن ، شام ، فلسطین و گاهی حجاز فرمان راندند ^۲ . خلفای فاطمی از دشمنان و مخالفان سرسخت خلافت عباسی بودند و بارها قلمرو عباسیان و دست‌نشاندهگان آنان را در مناطق شام و فلسطین و عراق مورد تهدید و تجاوز قرار می‌دادند . در زمان مستنصر فاطمی (۴۲۷ - ۴۸۷ هـ ق) قدرت سیاسی و تبلیغاتی فاطمیان به اوج رسید و ارسالن بساسیری (اهل فسای فارس) حکمران نظامی بغداد از جانب دیلمیان که به‌هنگام اشغال بغداد از سوی طغرل بیک سلجوقی (۴۲۹ - ۴۵۵ هـ ق) از این شهر گریخته بود به فاطمیان پیوست و در سال ۴۵۰ هـ در غیاب طغرل بر بغداد تاخت و قائم خلیفه عباسی (۴۲۲ - ۴۶۷ هـ ق) را از دارالخلافه بیرون راند و به نام مستنصر فاطمی خطبه خواند ^۳ . در این خلال خطبه خلافت در مناطق شام و فلسطین غالباً " به نام خلفای فاطمی خوانده می‌شد .

در زمان قائم عباسی که بنیان خلافت بغداد از سوی شیعیان آل بویه ایران و فاطمیان اسماعیلی مصر در شرف نابودی بود تحولی جدید و بی‌سابقه در تاریخ اسلام رویداد و آن ورود دسته‌ای از ترکمانان با اقتدار و سنی مذهب سلجوقی بود که از شرق ایران به عرصه تاریخ اسلام قدم نهادند و با پایان دادن به حکومت آل بویه در مناطق ایران و بغداد و حمایت سیاسی و مذهبی از خلیفه آل عباس خلافت ربه زوال این سلسله را جانی تازه بخشیدند و چنانکه پیش از این یاد آور شدیم طغرل سر سلسله دودمان سلجوقی طی چند بار لشکرکشی

۱ - تاریخ اورشلیم ، ص ۱۹۶ - ۱۹۷ ، و فیات ج ۷ ، ص ۱۸۷ .

۲ - تاریخ عرب ، ج ۲ ص ۷۸۷ تا ۷۹۴ .

۳ - کامل ابن اثیر : ج ۹ ، ص ۶۴۶ .

و اشغال بغداد قائم خلیفه^۲ و آواره^۳ عباسی را به دارالخلافت بازگردانید و با تعقیب و قتل بساسیری به تهدید فاطمیان مصر بر قلمرو عباسیان خاتمه داد^۱.

از زمان استیلای کامل طغرل بر بغداد (در ۴۵۱ هـ ق) و جانشینان او آلپ ارسلان (۴۵۵ - ۴۶۵ هـ ق) و جلال الدین ملکشاه (۴۶۵ - ۴۸۵ هـ ق) که زمام کلی امور سلطنت سلجوقی و خلافت عباسی به دست وزیر نامدار ایشان خواجه نظام الملک (م = ۴۸۵ هـ ق) بود تبلیغات داعیان اسماعیلی در قلمرو وسیع سلجوقیان به شدت سرکوب می شد و خطبه^۴ نماز در شهر قدس نیز به نام سلاطین سلجوقی و خلیفه عباسی بود.

اتسز خوارزمشاه که از امرای ملکشاه سلجوقی بود در سال ۴۶۴ هـ ق بربیت المقدس دست یافت و در ۴۶۶ هـ ق دعوت عباسیان در این شهر از نو اقامه شد^۲.

از اواخر سده پنجم هجری که قدرت جانشینان ملکشاه سلجوقی به ضعف گرائید و خلافت عباسیان در بغداد و فاطمیان در مصر روبه زوال بود بخش وسیعی از سرزمین های اسلامی در آسیای صغیر و شام و فلسطین در معرض یورش و تاخت و تاز مهاجمان مسیحی قرار گرفت. این جنگ ها که حدود دو بیست سال (۴۹۰ هـ ق تا ۶۹۰ هـ ق = ۱۰۹۴ - ۱۲۹۱ م) استمرار یافت در واقع جنگ بین مسیحیان غرب با مسلمانان شرق بود که به نام جنگ های صلیبی شهرت یافت و مهاجمان صلیبی پس از یک سلسله کشتارهای بیرحمانه در ۲۳ شعبان سال ۴۹۳ هـ ق = ژوئیه ۱۰۹۹ م، قدس را تسخیر کردند و حکومت لاتینی اورشلیم را به عنوان دفاع از قبر مسیح تشکیل دادند^۳. قضاوت تاریخ در ثبت آن همه خرابی و ویرانی و آدمکشی مسیحیان به هنگام غلبه بربیت المقدس و تسامح و عطوفتی که در فتح مسلمانان و روزگار سلطه آنان بر این شهر اعمال گردید اسناد گویایی است بر توحش قرون وسطایی اروپای مسیحی.

پیش از استیلای صلیبیان بر قدس یکی از سرداران ترک به نام امیر سقمان بن ارتق (م ۴۹۸ هـ ق) از سوی تاج الدوله تتش بن الب ارسلان مؤسس سلاجقه^۴ شام حکمران بیت المقدس بود. همزمان با خبر هجوم صلیبیان به قلمرو اسلام الا فضل وزیر خلیفه^۵ فاطمی شهر قدس را از تصرف اتابکان سلجوقی خارج ساخت. اما خود وی نیز نتوانست در قبال حمله صلیبیان ایستادگی کند و چنانکه گفتیم شهر با کشتار بیرحمانه ای به چنگ جنگجویان مسیحی افتاد^۴.

۱ - کامل ابن اثیر: ج ۹ ص ۶۰۹، راحة الصدور، ص ۱۰۷.

۲ - کامل ابن اثیر: ج ۱۰، ص ۶۸ و ۸۸.

۳ - تاریخ اورشلیم، ص ۲۱۰.

۴ - تاریخ اسلام، ص ۱۲۶.

شهر قدس حدود یکصد سال در تصرف صلیبیان بود و طی این مدت استمداد و استغاثه مسلمانان جنگ زده، شام و فلسطین از خلفای سست عنصر عباسی و فاطمی و سلاطین سلجوقی درگیر در جنگهای داخلی همچنان بی جواب ماند. در این دوره، پرماجرا از تاریخ اسلام در نظام اتابکی که از پدیده‌های عصر سلجوقی بود مردان غیور و بااراده‌ای درخشیدند که مردانه رویاروی هجوم صلیبی‌ها ایستادند و بسیاری از شهرها و بلاد اسلامی از جمله شهر قدس را از چنگ مسیحیان خارج کردند. یکی از این سرداران نامدار، نورالدین محمود زنگی (م = ۵۶۹ هـ ق) بود که با استقلال بر مناطق شام و فلسطین حکومت می‌کرد. وی تعداد زیادی از شهرها و استحکامات این مناطق را از تصرف صلیبیان خارج ساخت.^۱

پس از نورالدین صلاح‌الدین ایوبی (م = ۵۸۹ هـ ق) یکی دیگر از سرداران دلاور تاریخ اسلام با غلبه بر متصرفات نورالدین زنگی و جانشینان او در مقابل جنگجویان صلیبی قرار گرفت و شکست‌های پی‌درپی بر آنان وارد ساخت و با فتح و استرداد بیت المقدس در ۵۸۲ هـ ق = ۱۱۸۷ م که حدود یکصد سال در تصرف صلیبیان بود به خطر مهمتی که اسلام و جامعه اسلامی را تهدید می‌کرد پایان داد و شکوه و جلال از یاد رفته، مسلمانان را تجدید کرد.^۲ این صلاح‌الدین یوسف بن ایوب که ابن خلکان خاندان او را از ایرانیان گردن‌نژاد اران آذربایجان نوشته از سرداران و فاتحان بنام دنیای اسلام است که در ۵۳۲ هـ ق تولد یافت، دوران جوانی را در خدمت پدر و عم خود اسدالدین شیرکوه که هردو از امرای نورالدین زنگی بودند به سر برد و با ابراز درایت و شهامت پس از مرگ شیرکوه در ۵۶۴ هـ ق جانشین او شد و به تدریج بر قلمرو جانشینان نورالدین زنگی دست یافت تا در سال ۵۶۵ هـ ق = ۱۱۶۹ م در روزگار عاضد آخرین خلیفه فاطمی به وزارت رسید و با استیلای کامل بردستگاه فرسوده خلافت فاطمی نام خلیفه را از خطبه انداخت، (= ۵۶۷ هـ ق = ۱۱۷۱ م) و به هواداری از خلفای سنی مذهب آل عباس به نام مستضعی خلیفه عباسی (۵۶۶ - ۵۷۵ هـ ق) خطبه خواند و بدین ترتیب به حکومت ۲۶۶ ساله شیعیان فاطمی پایان داد و آئین اهل سنت و مذهب شافعی را از نو در دیار مصر و متصرفات اسماعیلیان رواج داد. صلاح‌الدین با استقلال کامل بر ممالک مصر و مغرب و نوبه و عربستان و فلسطین و سوریه حکم راند و امرای عراق را فرمانبردار خویش ساخت و خلیفه عباسی که به اطاعت روحانی صلاح‌الدین و ایراد خطبه بنام آل عباس دلخوش کرده بود به پاس این خدمت صلاح‌الدین را

۱ - وفيات، ج ۵، ص ۱۸۴ - ۱۸۸.

۲ - تاریخ عرب، ج ۲، ص ۸۲۱.

لقب الملك الناصر داد^۱. صلاح الدین پس از استحکام مبنای حکومت ایوبی طی یک سلسله جنگها شکست های سختی بر سپاهیان مسیحی وارد ساخت و بسیاری از بلاد و قلاع اسلامی را بازپس گرفت و سرانجام در سال ۵۸۳ هـ ق = ۱۱۸۷ م. شهر بیت المقدس را که در حدود یکصدسال از پیکر دنیای اسلام جدا شده بود پیروزمندانه گشود و طنین اذان اسلام را جایگزین ناقوس مسیح در مسجد اقصی کرد^۲. بنا به نوشته ابن خلکان تسلیم قدس مصادف بود با جمعه ۲۷ رجب که به تصریح قرآن کریم با شب معراج پیامبر اسلام (ص) تقارن داشت و این رویداد عجیب نشان داد که مشیت خدای تعالی بر آن قرار گرفته بود که اسلام را چونان واقعه اسرا دوباره به قدس بازگرداند. این پیروزی بزرگ و این تقارن میمون به دیده اهل زهد و صاحبان علم چنان عظیم نمود که از اقصا نقاط بلاد اسلام تکبیرگویان راهی قدس شدند و در نخستین جمعه پس از فتح نماز گزارند و خطبه فتح خوانده شد و قاضی فاضل فتحنامه معروف به رساله قدسیه را به عنوان پیک پیروزی به ناصر خلیفه عباسی نوشت^۳ و عماد کاتب اصفهانی (م ۵۹۷ هـ ق) نیز رساله های بسیار مفصل در این باب نوشت که بالغ بر دو مجلد کتاب شد و آن را " الفیج القسی فی الفتح القدسی " نامید و تمام وقایع مربوط به فتح قدس را در آن گرد آورد^۴.

صلاح الدین ایوبی که علاوه بر تهوور و رشادت جوانمردی و فتوت شایسته یک سردار آزاده اسلامی را به کمال داشت پس از آنکه عمده شهرهای تحت اشغال مسیحیان از جمله قدس را بازپس گرفت فرمان عفو عام داد و باب صلح با قوم مغلوب را باز گذاشت و به رغم آنهمه ددمنشی و ویرانگری که متعصبان صلیبی در حق مسلمانان و اماکن اسلامی روا داشتند صلاح الدین به ترمیم خرابیها و تأسیس مدارس و مساجد و بیمارستانها پرداخت^۵. و با وجود آنهمه عهد شکنیها سرانجام در سال ۵۸۸ هـ ق با امپراتور انگلیس (ریچارد شیردل) پیمان صلح بست و آمد و شد مسلمانان و مسیحیان به قدس و دیگر شهرهای اسلامی مسیحی و اماکن مقدسه را آزاد گذاشت و مسیحیان مغلوب پس از یکصدسال غلبه توأم با ظلم و جور بار دیگر چون گذشته در حریم اسلام زندگی آرام یافتند^۶.

۱- وفيات، ج ۱۷، ص ۱۳۹ و بعد از آن.

۲- تاریخ عرب، ج ۲، ص ۸۱۸-۸۲۱.

۳ و ۴ و ۵- وفيات، ج ۱۷، ص ۱۷۹-۱۸۲-۲۰۰.

۶- تاریخ اورشلیم ص ۲۲۳. کامل ابن اثیر: ج ۱۲، ص ۸۵-۸۶.

در خلال دوسده جنگ و خونریزی بین مسلمانان شرق و مسیحیان غرب تلاقی افکار و تأثرات علمی نیز به موازات برخوردهای نظامی جریان داشت که این همه در بیداری اروپای قرون وسطی کارگر افتاد و دنیای غرب طی این دوره^۱ بالنسبه طولانی از پیشرفت های علمی مسلمانان و ثمرات فراوان دوره^۲ درخشان فرهنگ و ادب اسلام بهره ها برد و اروپای غرق در تاریکی و توحش آن روزگار که از جنگهای صلیبی طرفی نبسته بود باکسب تجارب تاریخی و اطلاعات جغرافیائی از خواب بیخبری سربرداشت و این رویداد سرآغاز فصلی جدید شد که پدیده^۳ رنسانس اروپا در پی داشت . در بین مستشرقین غربی آنان که حوادث تاریخ را به دور از تعصبات ناروای قومی و نژادی بادیده^۴ انصاف نگریسته اند حاصل این برداشت های غرب مسیحی از شرق اسلامی را پایه و مایه^۵ اصلی این بیداری دانسته اند و در موارد بسیار از جمله در کتابی تحت عنوان " میراث اسلام یا آنچه مغرب زمین به ملل اسلامی مدیون است " ابعاد این دست آورد را مورد بررسی و ارزیابی قرار داده اند^۱ .

در این نوشته بنا آن نبود که سرگذشت قدس بازگو شود یا از جنگهای صلیبی سخن رود که در این باب گفته ها و نوشته ها فراوان است و در موارد بسیار درخور توجه . منظور این مقال پرداختن به نخستین خطبه^۲ مفصلی است که پس از رهایی قدس از چنگ صلیبیان و بازگشت این سرزمین عزیز به دامن اسلام در حضور صلاح الدین ایوبی فاتح نامدار این شهر خوانده شده است ، و نیز هدف باز یابی و بررسی اوراقی است از متون کهن ادبی که با تاریخ سیاسی و اجتماعی اسلام ارتباط تام دارد . این خطبه نماینده^۳ شور و عشق مسلمانان معاصر جنگهای صلیبی است و در روزگار ما که بار دیگر عضو عزیز قدس از پیکر اسلام جدا شده ، امید است که آگاهی برای این خطبه و اطلاع از مفاهیم آن سلسله جنبان غیرت کسانی گردد که داعیه^۴ رهبری کشورهای عربی اسلامی را دارند . تا دریابند که وجود قدس از دیدگاه اسلام چه مقدار عزیز و گرامی بوده و در راه دستیابی و نگاهبانی آن چه جانها فشانده اند ، باشد که برای این گرامی میراث اسلاف ارج نهند و چون گذشتگان غیور عزیزش دارند و بر آن چشم دوزند و بمرایگان از کف ندهند و در این روزگار و اسفای سلطه^۵ استعمار از تشقت و افتراق و سازش های خائنانه دست بردارند و یکدل و یک زبان از شعار به کار آیند و در آزاد سازی قدسی که تعلق به اکثریت ابناء بشر دارد از چنگ اقلیت تنگ چشم صهیونیزم مردانه بکوشند که اگر نکوشند عجزه^۶ استعمار را چه باک که چراغ نیم مرده^۷ چشم براهان قدس یکباره بمیرد و واپسین پرتو امید از فراز ویرانه آوارگان و سیه روزان فلسطین رخت بر بندد و این رنج مایه^۸

۱ - ترجمه^۱ عنوان کتابی که به قلم سیزده تن از مستشرقین و استادان دانشگاه های انگلیس زیر نظر آلفرد گیوم رئیس دانشکده کلهم نوشته شده است .

بیکارگران راستین اسلام به کام بیگانگان شود که مہیاد این روز و معناد آن روزگار .

بازگردیم به خطبہ قدس. ابن اثیر در ذکر وقایع سال ۵۷۹ هـ ق نوشته است که در محرم این سال صلاح الدین ایوبی بر حلب فرود آمد. حکمران حلب در این هنگام عماد الدین زنگی از عمال نورالدین بود. هر روز بین دو سپاہ زنگی و ایوبی جنگ و گریز بود. سرانجام توافق شد که حلب را تسلیم صلاح الدین کنند و مناطقی دیگر را به عوض گیرند به شرط آنکه عماد الدین زنگی و سپاهش در خدمت صلاح الدین باشند. با این ترتیب صلاح الدین در صفر سال ۵۷۹ هـ ق بر حلب دست یافت و محیی الدین بن زکی قاضی دمشق صلاح الدین را با قصیدہ ای مدح گفت که این بیت آن شهرت یافت:

" وفتحکم حلباً بالسيف فی صفر مبشر بفتح القدس فی رجب " ^۱
 " پیروزی شما با صلاح شمشیر بر حلب در ماه صفر بشارت دهنده است به پیروزی های قدس در ماه رجب " و از اتفاقات عجیب اینکه فتح قدس به دست صلاح الدین درست در ماه رجب سال ۵۸۳ هـ ق اتفاق افتاد ^۲. صلاح الدین پس از فراغ از کار عسقلان و بلاد مجاور آن راهی قدس شد و در نیمه رجب سال ۵۸۳ بر در دروازه قدس فرود آمد و شهر را در حصار گرفت و کار جنگ چنان بر فرنگ سخت آمد که ناگزیر از تسلیم شدند و شهر در روز جمعه ۲۷ رجب به تسخیر سپاہ صلاح الدین درآمد. در این روز که از روزهای تاریخی اسلام شد صلیب بزرگ از فراز قبة الصخره به زیر افتاد و پرچم اسلام به جای آن و در برج و باروی شهر به اهتزاز درآمد و به فرمان صلاح الدین ابنیه و اماکن مقدسه اسلامی تطہیر شد و بهروال قدیم بازگشت ^۳ و در نخستین جمعه پس از فتح که مصادف با چهارم شعبان بود نماز جمعه در قبة الصخره در حضور صلاح الدین و اعیان دولت به امامت خطیب محیی الدین بن زکی قاضی دمشق اقامه شد ^۴.

در باب این خطیب، ابن خلکان نوشته است که: ابوالمعالی محمد بن علی ملقب به محیی الدین (م ۵۹۸ هـ ق) و معروف به زکی الدین دمشقی از فقہای شافعی مذهب و قاضی دمشق بود که در فقه و ادب و دیگر فنون علمی فضل وافر داشت. شعرش ملیح بود و خطبہها و رسائلش نیکو نزد سلطان صلاح الدین منزلتی والا و پایگاهی استوار داشت ^۵. ابن خلکان

۱ - این بیت را ابن خلکان چنین ضبط کرده است: " وفتحک القلعة الشہباء فی صفر مبشر بفتح القدس فی رجب " (وفیات ج ۴ ص ۲۲۹). والقلعة الشہباء شهر حلب است که به خاطر داشتن دژ مستحکم استوار با سنگهای سفید به الشہباء موصوف شده است.

۲ و ۳ و ۴ - کامل ابن اثیر: ج ۱۱، ص ۴۹۶ - ۴۹۷ - ۵۴۶ - ۵۴۷ - ۵۱۱ - ۵۱۲.

بانقل گفتاری مشابه آنچه ابن اشیر نوشته است چنین گوید که محیی‌الدین را گفتند: از کجا چنین پیشگویی کردی؟ (در باب فتح قدس در ماه رجب). گفت در تفسیر ابن ترخان از این آیه شریفه: (الم غلبت الروم فی ادنی الارض و هم بعد غلبهم سیغلبون فی بضع سنین...^۱) و من (ابن خلکان) به محض وقوف بر این شعر و این داستان بر آن شدم که تفسیر ابن ترخان^۲ را بیابم تا بر آن دست یافتم و روایت را چنانکه بود یافتم اما در حاشیه و به خطی غیر از متن نوشته شده بود و ندانستم که در رابطه با متن کتاب بود یا ملحق به آن. در هر صورت برای استخراج این سال محاسباتی پیگیر کرده بود تا تاریخ مزبور را از این کلام الهی (بضع سنین) به دست آرد. چون سلطان صلاح‌الدین بر حلب دست یافت حکمرانی و منصب قضاء شهر را به همین قاضی محیی‌الدین سپرد و آنگاه که شهر قدس را فتح کرده همه دانشمندان حاضر در خدمت صلاح‌الدین برای ایراد خطبه نماز جمعه پیشدستی کردند و هریک خطبه‌ای رسا تدارک دیده بود شاید که نامزد این کار شود، اما فرمان ایراد خطبه به نام قاضی محیی‌الدین صادر شد و سلطان و بزرگان دستگاه ایوبی حضور داشتند و این نخستین نماز جمعه قدس بود که پس از پیروزی اقامه شد^۳.

پیش از این یاد آور شدیم که این مقدمه تمهیدی است برای پرداختن به خطبه فتح قدس که از خطابه‌های طویل در زبان عربی است. با عباراتی موزون و مسجع، مشتمل بر دقائق ادبی و برخوردار از محاسن صنایع بدیعی و مزین به آیات شریفه قرآن در شأن پیامبران عظام و مشحون از اخبار و احادیث و روایات در منزلت قدس و وصف این مرکز عبادی سیاسی که خطیب با علمی وافر و احاطه کامل بر فصاحت کلمات و بلاغت عبارات از شکوه و جلال قدس سخن رانده و از فتح این شهر به عنوان واقعه‌ای خطیر یاد کرده است. و ما برای حفظ جمال کلام مناسب دیدم که متن خطبه چنان که هست در اینجا نگاه داشته و توضیحات لازم در ذیل آید.

۱- آیات ۱ و ۲ و ۳ از سوره الروم. دنباله آیه ۴ چنین است: (لله الامر من قبل و من بعده و یومئذ ینفخ الصور منون). این آیات اشاره است به شکست رومیان از پارتیان در اذرعات شام و بصری از نزدیکترین شهرهای منطقه شام از قلمرو روم به سرزمین عرب، مشرکان قریش از غلبه مجوس بر رومیان اهل کتاب شاد شدند بر این پندار که مجوس را چون ایشان کتابی نبود. نزول این آیات هشداری بود بر اینکه چندان نیاید که رومیان غالب شوند و چنین هم شد. در روز پیروزی مسلمانان بر مشرکان مکه در جنگ بدر (س ۲ هـ) خبر پیروزی رومیان بر پارتیان به مسلمانان رسید و آنان خرسند شدند. (تفسیر ابوالفتوح: ج ۹ ص ۳۹ تا ۴۲).

۲- ابن برجان، ابوالحکم عبدالسلام بن عبدالرحمن لخمی مردی نیکو خصال بود که تفسیری بزرگ بر قرآن نوشت و به سال ۵۳۶ هـ ق در مراکش درگذشت. (وفیات، ج ۴ ص ۲۳۶-۲۳۷).

۳- وفیات، ج ۴، ص ۲۳۵.

محمی الدین خطبہ را با قرائت سورہ فاتحۃ الكتاب آغاز کرد^۱ . و این آیات را خواند :
 (فقطع دابر القوم الذین ظلموا و الحمد لله رب العالمین)^۲ . (الحمد لله الذی خلق السموات
 و الارض و جعل الظلمات و النور . .)^۳ . (و قل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا . . .)^۴ .
 (الحمد لله الذی انزل علی عبدہ الكتاب . . .) . " سہ آیہ " نخست از سورہ النہف^۵ .
 و نیز از سورہ النمل خواند : (و قل الحمد لله و سلام علی عبادہ الذین اصطفی . . .) الی آخر^۶
 و از سورہ سبا : (الحمد لله الذی له ما فی السموات . . .) تا آخر آیہ^۷ و از سورہ فاطر :
 (الحمد لله فاطر السموات و الارض . .) و آیات دیگر^۸ . منظور خطیب از تلاوت این آیات
 بیان ہمہء تحمیلات در قرآن کریم بود^(۹) آنگاه خطیب آغاز بہ خطبہ کرد و گفت :

-
- ۱ - و فیات ، ج ۴ ، ص ۲۳۵ تا ۲۳۶ . (شماره آیات قرآن بانسخہء ترجمہء محمد کاظم معزی تطبیق داده شدہ است) .
 - ۲ - برکنندہ شد بیخودم گروهی کہ ستم کردند و سپاس خدای را کہ پروردگار جہانیاں است ، منظور ریشہ کن شدن سلطہء ظلمیہیان از قدس است (الانعام آیہ ۴۵) .
 - ۳ - دنبالہ آیہ : (. . . ثم الذین کفروا بر بہم یعدلون) الانعام آیہ ۱) .
 - ۴ - دنبالہ آیہ : (. . . ولم یکن لہ شریک فی الملک ولم یکن لہ ولی من الذل و کبرہ تکبیراً) .
 " الاسراء آیہ ۱۱۱ " نزول آیہ در زرد بر جہودان است و ترسایان و ثنویان و نیز بر مشرکان عرب و صائبیان و برہرکس کہ بر خدای شریک قائل شود (تفسیر ابو الفتوح ج ۷ ص ۲۹۴ و ۲۹۵) .
 - ۵ - دنبالہ آیہ و نیز آیہ ۲ و ۳ : (. . . ولم یجعل لہ عوجاً . قیماً " لتتذربا سا " شدیداً " من لدنہ و یشرال موء منین الذین یعملون الصالحات ان لہم اجرا " حسناً " ، ما کثین فیہ ابدأ " .
 - ۶ - دنبالہ آیہ : (. . . اللہ خیرا ما یشرکون) " آیہ ۵۹ : در باب نصاری و نہی ایشان در شریک گرفتن بر خدا است .
 - ۷ - دنبالہ آیہ : (. . . و ما فی الارض ولہ الحمد فی الآخرہ و هو الحکیم الخبیر) " سبا : ۱ " .
 - ۸ - دنبالہ آیہ نخست و آیہ بعد : (. . . جاعل الملائکہ رسلاً " اولی اجنحۃ مثنی و ثلاث و رباع یزید فی الخلق ما یشاء ان اللہ علی کل شیء قدیر . ما یفتح اللہ للناس من رحمۃ فلا ممسک لہا و ما یمسک فلا مرسل لہ من بعدہ و هو العزیز الحکیم .
 - ۹ - سورہ ہائی از قرآن کریم را کہ با کلمہء " حمد " آغاز شدہ و یا در برخی از آیات آن " الحمد لله " بہ کار رفتہ است تحمیدات یا حامدات خوانند .
- ۱۰ - و فیات ، ج ۴ ، ص ۲۳۱ تا ۲۳۶ .

" الحمد لله معزالاسلام بنصره ، و مذل الشرك بقهره ، و مصرف الأمور بأمره ، و مديم النعم بشكره ، و مستدرج الكفار بيمكره ^۱ ، الذي قدر الأيام دولا بعدله ، وجعل العاقبة للمتقين بفضله ^۲ ، و أفاء ^۳ على عباده من ظله ، و أظهر دينه على الدين كله ^۴ ، القاهر فوق عباده ^۵ فلا يمانع ، و الظاهر على خليفته فلا ينازع ، و الأمر بما يشاء فلا يراجع ، و الحاكم بما يريد فلا يدافع ، أحمده على اظفاره و اظهاره ، و اعزازه لأوليائه و نصره لأنصاره ، و تطهير بيته المقدس من أدناس الشرك و أوضاره ^۷ ، حمد من استشعر الحمد باطن سره و ظاهر جهاره ^۸ ، و أشهد أن لا اله الا الله وحده لا شريك له الأحد الصمد ، الذي لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفوا " أحد ، شهادته من طهر بالتوحيد قلبه ، و أرضى به ربه ، و أشهد أن محمدا " عبده و رسوله رافع الشك ، و داحض ^۹ الشرك ، و راحض ^{۱۰} الألفك ، الذي أسرى به من المسجد الحرام الى هذا المسجد الأقصى ، و عرج به منه الى السماوات العلا الى صدره المنتهى ، عندها جنه المأوى ^{۱۱} ، مازاغ البصر و ما طفى ^{۱۲} ، صلى الله عليه و على خليفته أبي بكر الصديق السابق

۱ - اشاره است به دو آیه ۱۸۲ و ۱۸۳ از سوره الاعراف : (والذين كذبوا بآياتنا سنستدرجهم من حيث لا يعلمون . و أملى لهم ان كيدي متين) . آنانکه تکذیب کردند به آیت های ما زود باشد که بگیریم ایشان را از جایی که نمی دانند و مهلت دادیم ایشان را به درستی که کید من استوار است " . پس استدراج به معنی اندک اندک گرفتن است . استدراج و املاء از مصطلحات صوفیه نیز می باشد .

۲ - اشاره به آیه ۱۲۸ از سوره الاعراف : (. . . ان الأرض لله يورثها من يشاء من عباده و العاقبة للمتقين) و نیز آیه ۴۹ از سوره هود : (تلك من انباء الغيب . . . فاصبر ان العاقبة للمتقين) . و نیز آیه ۸۳ از سوره قصص : (تلك الدار الآخرة . . . و العاقبة للمتقين) .

۳ - أفاء از ماده : فیئى به معنی بهره ، بهره داد بر بندگان از سایه اش .

۴ - اشاره به آیه ۳۳ از سوره التوبه : (هو الذي ارسل رسوله بالهدى و دین الحق ليظهره على الدين كله و لكره المشركون) . و نظیر آن آیه ۹ از سوره الصف و نیز آیه ۲۸ از سوره الفتح که دنباله آن است : (. . . و كفى بالله شهيدا ") .

۵ - مضمون آیه ۱۸ از سوره الأنعام (و هو القاهر فوق عباده و هو الحكيم الخبير) .

۶ - ج دنس : پلیدی .

۷ - ج و ضر : چرکی و لکه چرکین .

۸ - مضمون آیه ۱۰ از سوره الرعد : (سواء منكم من أسر القول و من جهربه و هو مستخف بالليل و سارب بالنهار) .

۹ - مصحح کلمه " مدحض " اسم فاعل از ادحض به معنی ابطال = باطل کردن در مناسب دانسته که در چاپ تصحیح محیی الدین عبدالحمید نیز همان مدحض نوشته شده است .

۱۰ - راحض از ریشه راحض به معنی غسله - شست آنرا می باشد که در چاپ تصحیح عبدالحمید داحق آمده است از ریشه دحق و آدحق به معنی ابعده و طرد = دور ساخت (وفیات تصحیح عبدالحمید ج ۳ ص ۳۶۶) .

۱۱ - در "سیرت رسول الله" چنین آمده است که : " چون آیت فرود آمد و قبله از بیت المقدس با کعبه افتاد ، علمای یهود بخت پیش پیغمبر علیه السلام آمدند و گفتند : ای محمد ، تو دعوی می کنی که . ملت من و ملت ابراهیم هردو یکی است ، پس چرا قبله از شام با کعبه افگندی ، اگر می خواهی که ما بدین تو در آئیم و متابعت تو کنیم ، قبله همچنانکه بود باز جانب شام افگن ، و ایشان می خواستند که بدین سخن سید ، علیه السلام ، در فتنه افگند و او را بر سردارند که قبله از کعبه باطل کند . و حق تعالی از خبث ایشان خبر باز داد و این آیت فرورستاد . قوله تعالی . سيقول السفهاء من الناس ما وليهم عن قبلتهم التي كانوا عليها قل . . . " بقره ۱۴۲ تا ۱۴۵ " گفت : ای محمد ، اگر تو هزار معجزه با این جهودان نغائی و هر چه ایشان گویند تو مراد ایشان بر آوری ، ایشان متابعت تو هرگز نکنند و نشاید ، ای محمد ، که از بهر سخن ایشان ترک قبله خود کنی و رضا و هوای ایشان گیری ، اگر چنین کنی ظلم باشد و ظلم بر پیغمبران روان باشد . و همچنین دیگر جماعتی از یهود در آمدند و گفتند : یا محمد ، ما این بدانستیم که خدای تعالی خلق آفریده است ، ما را بگوی تا خدای کی آفریده است ؟ پیغمبر علیه السلام ، از سخن ایشان خشم گرفت و در حال جبرئیل ، علیه السلام ، فرود آمد و سورت الاخلاص فرود آورد ، و سید را علیه السلام ، تسکین کرد و گفت : ای محمد ، تو خود را مرنجان از بهر این هرزها که این جهودان کافر می گویند و جواب ایشان ابازده و بگو : " بسم الله الرحمن الرحيم : قل هو الله احد ، الله الصمد ، لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفوا احد پس چون سید علیه السلام ، سورت الاخلاص برایشان فرو خواند ، دیگر گفتند که : این بدانستیم که وی آفریدگار است و آفریده نیست " (ج ۱ ص ۵۰۷ و ۵۰۸) و اما : " الذی أسرى اشارت است به سوره الاسراء آیه (۱) " سبحان الذی أسرى بعبدہ لیلًا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی " و عرج به . . . الی سدره المنتهی : اشارت است به معراج پیامبر (ص) از مسجد الحرام به مسجد اقصی (رک : تفسیر ابوالفتوح ، ج ۷ ص ۱۶۵ و ۱۶۶) و سدره المنتهی (= سوره النجم آیه ۱۵) نوشته اند درختی است در آسمان هفتم و منتهی خوانند چون علم خلاق تا به آنجا است و آنچه ورای آنست غیب باشد و جز خدا نداند . . . و عندها جنة المأوی (= النجم آیه ۱۶) جنت مأوی نزدیک درخت سدره است (تفسیر ابوالفتوح : ج ۱ ص ۳۴۲ و ۳۴۱)

سعدی در نعت رسول اکرم و واقعه معراج : چنین سروده است :

شست از فلک درگذشت به تمکین و جاه از ملک درگذشت

الی الایمان^۱، و علی امیرالمؤمنین^۲ عمر بن الخطاب اول من رفع عن هذا البيت شعار الصلبان^۳،
و علی امیرالمؤمنین عثمان بن عفان ذی النورین^۴ جامع القرآن^۵، و علی امیرالمؤمنین علی

دنباله زینبویس صفحه قبل:

چنان گرم در تپه قربت برانسد
بدوگفت سالار بیت الحرام
چو در دوستی مخلصم یافتی
بگفتا فراتر مجالسم نماند
اگر یک سرموی برتر پریم
به تمکین و جاه از ملک درگذشت
که ای حامل وحی برتر خرام
عنانم ز صحبت چرا تافتی؟
بماندم که نیروی بالم نماند
فروغ تجلی بسوزد پریم
(کلیات سعدی: دیباچه بوستان، ص ۲۲۱)

۱۲ - مازاغ البصر و ما طغی نه: میل کرد دیده و نه سرکشی کرد: (النجم آیه ۱۷) .

۱ - محمد بن اسحاق گوید: " اول کسی که اسلام آورد بر سید علیه السلام علی بود رضی الله عنه و کرم الله وجهه، ده ساله بود که ایمان آورد " . وی علی بن ابی طالب (ع) و زید بن حارثه و ابوبکر بن ابی قحافه و عثمان بن عفان و زبیر بن العوام و عبد الرحمن بن عوف و سعد بن ابی وقاص و طلحه بن عبید الله را به ترتیب هشت تن از سابقین در اسلام نام برده است . (سیرت رسول الله، ج ۱ ص ۲۲۳ و ۲۳۰) . اهل سنت با اعتراف به تقدیم اسلام علی (ع) ابوبکر را از سابقین به ایمان در بین مردان می دانند .

۲ - بنا به نوشته یعقوبی: عمر از سال ۱۸ هـ ق امیرالمؤمنین خوانده شد و پیش از آن ابوبکر را خلیفه رسول الله و عمر را خلیفه رسول الله می نامیدند که فزوننی اضافات موجب دشواری شد . نخست کسی که عمر را به این لقب نامید مغیر بن شعبه بود (ج ۲ ص ۱۵۰) این لقب در بین اهل سنت برای دیگر خلفا نیز مرسوم شد . اما شیعیان این لقب را خاص امام اول خود می دانند و از امام باقر (ع) روایت است که هیچکس امیرالمؤمنین را در غیر علی (ع) به کار نبرد مگر آنکه مفتری و کذاب باشد (سفینة البحار ۱ / ۲۹ مقدمه ۱ / ۴۳۵) .

۳ - اشاره به فتح قدس در سال ۱۵ یا ۱۶ هـ ق در زمان خلافت عمر است که خلیفه برای عقد صلح خود به قدس رفت و با گرفتن قدس از تصرف مسیحیان نشانه های صلیب جای خود را به شعائر اسلامی داد که در مقدمه از آن یاد شد .

۴ - دوتن از دختران رسول خدا (ص) را عثمان به زنی گرفت از اینرو ذوالنورین لقب یافت، نخست رقیه که در هجرت اول مسلمانان به حبشه با وی همراه بود و به مدینه هجرت کرد و در روز فتح بدر درگذشت . دیگر ام کلثوم که در مکه تولد یافت و در سال سوم هجرت پس از درگذشت خواهرش به ازدواج عثمان درآمد و در سال نهم هجرت درگذشت و این هردو از خدیجه همسر اول پیامبر زاده شدند (تاریخ پیامبر اسلام، ص ۷۰) .

ابن ابی طالب مزلز الشکر و مکسر الاوثان^۱، وعلی آله و صحبه و التابعین لهم باحسان .
ایها الناس، ا بشروا بروضان الله الذی هو الغایة القصوی و الدرجه العلیا لما یسرہ الله
علی ایدیك من استرداد هذه الضاله، من الامه الضاله^۳، و ردھا الی مقرھا من الاسلام، بعد
ابتداء السہافی ایدی المشرکین قریبا "من مائة عام"^۴، و تطہیر هذا البیت الذی اذن الله ان یرفع
و یذکر فیہ اسمہ، و اماطہ الشکر عن طرفہ بعد ان امتد علیہا رواقہ و استقر فیہا رسمہ، و رفع

(زیرنوس صفحه قبل)

۵ - عثمان مصاحف پراکنده را از بیم آنکه اختلافی در نسخ قرآن پیش آید جمع آوری کرد و
جز نسخه ابن مسعود همرا از بین برد و آن نسخه را تکثیر و به بلاد اسلامی فرستاد (تاریخ
یعقوبی: ج ۲ ص ۱۷۰) ابن اثیر جمع آوری مصاحف به دستور عثمان را در سال ۳۰ هـ ق نوشته است
(کامل، ج ۳ ص ۱۱۱ و ۱۱۲) .

۱ - اشارت است به بتھائی که همزمان با فتح مکہ و غزوات و سریہ های پس از فتح مکہ به فرمان
پیامبر (ص) و به وسیلہ علی (ع) شکسته شد . از جمله در روز فتح مکہ (دهم رمضان سال هشتم هـ ق)
ابن ابی الحدید در یکی از قصائد سبع علویات به بالا رفتن علی (ع) بر شانہ پیامبر (ص) برای
شکستن بتھات تصریح کرده که مطلع آن چنین است : رقییت با سمی غارب احدقت به - ملائک یتلون
الکتاب المسطرا . و نیز به نوشته شیخ مفید در ایام محاصره طائف پیامبر علی را برای حملہ به
بت پرستان مشرک و شکستن بتھای فرستاد و او چنین کرد . و نیز در سال ۹ هـ ق علی را بر سر قبیلہ
طی فرستاد تا بتخانہ فلس را منہدم کند و علی این بتخانہ را ویران کرد (تاریخ پیامبر
اسلام، ص ۵۲۹، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۷۶) .

۲ - اشاره به آخر آیه ۳۰ از سوره فصلت : (. . و ا بشروا بالجنة التي كنتم توعدون) ، شاد باشید
به بہشتی کہ وعده داده شده بودید .

۳ - ضالہ اول مؤنث الضال : الشیء المفقود و کنایہ از قدس گمشده مسلمانان در خلال اشغال
صلبیان است ، و ضالہ دوم صفت است از برای " الأمہ " به معنی گمراه .

۴ - بیت المقدس از سال ۴۹۳ هـ ق = ۱۰۹۹ تا ۵۸۳ هـ ق = ۱۱۸۷ م حدود ۹۰ سال در
دست مسیحیان بود . (تاریخ اورشلیم ص ۲۱۹) .

قواعدہ بالتوحید ، فانه بنی علیہ و شید بنیانه بالتمجید ، فانه أسس علی التقوی من خلفه و من بین یدیه ^۱ ، فهو موطن اَبیکم ابراهیم ^۲ ، و معراج نبیکم محمد علیہ الصلاة و السلام ^۳ ، و قبلتکم التي کنتم تصلون اليها فی ابتداء الاسلام ^۴ ، و هو مقر الانبیاء ، و مقصد الاولیاء ^۵ ، و مدفن الرسل و مهبط الوحی ، و منزل بهینزل الامروالنهی ، و هو فی أرض المحشر و صعيد المنشر ^۶ .

۱ - اشارت است به آیات ۱۰۸ از سوره توبه: (... لمسجد اسس علی التقوی من اولیوم و نیز آیه ۱۰۹) حق ان تقوم فیہ (...) از همین سوره که در اینجا منظور مسجد النبی در مدینه است که در مقابل آن منافقین مسجد ضرار را ساختند و مسجد اقصی نیز بر اساس تقوی ساخته شده است .

۲ - منظور مقام ابراهیم خلیل در قدس است که سرزمین کنعان بوده ، این سرزمین با فلسطین قدیم که بین رود اردن و بحر المیت و دریای مدیترانه قرار داشته است مطابقت دارد و گاهی سرزمین اردین را نیز شامل بوده است .

۳ - در باب معراج پیامبر (ص) به صفحات قبل مراجعه شود .

۴ - قبله مسالنان تا ۱۷ ماه پس از هجرت پیامبر (ص) از مکه به مدینه مسجد اقصی بود و پیامبر هنگام نماز به آن سو می ایستاد و از این سرزمش یهود که می گفتند محمد (ص) قبله نداشت و ما او را یاد دادیم آزرده خاطر گشت تا روزی در شعبان سال ۲ هجری هنگام نماز ظهر در مسجد بنی سلمه که از آن تاریخ به مسجد ذوالقبلتین شهرت یافت . این آیه بر روی نازل شد: (قد نری تقلب وجهک فی السماء ... قول وجهک شطر المسجد الحرام و حیثما کنتم فولوا و جوهکم شطره ...) پیامبر در حال رو به سوی قبله کرد . (آیات ۱۴۲ تا ۱۴۴ از سوره بقره = سیرت رسول الله ج ۱ ص ۵۰۶ تا ۵۰۸) .

۵ - جمیع انبیاء بیت المقدس را به خاطر گرامیداشت آن زیارت کردند و نیز از ابن عباس روایت است که آنجا را ساختند و در آن سکنی گزیدند (معجم البلدان یا قوت ج ۵ ص ۱۶۶ و ۱۶۷) .

۶ - یا قوت حموی در این باب نوشته: به آدم علیه السلام وحی شد که در قدس مدفون شود از اینرو اسحق و ابراهیم نیز در قدس دفن شدند و یعقوب از ارض مصر به قدس انتقال یافت تا در آنجا به خاک سپرده شود و یوسف وصیت کرد که اگر در ارض مصر مرد او را به قدس ببرند و ابراهیم از کوشی به قدس هجرت کرد و در وصف قدس گفته اند: " اليها المحشر و منها المنشر " چون قدس عرصه روز رستاخیز باشد (معجم البلدان ، ج ۵ ، ص ۱۶۶ و ۱۶۹) .

و هو فی الارض المقدسة التي ذكرها الله في كتابه المبين^۱، و هو المسجد (الاقصى) الذي صلى فيه رسول الله صلى الله عليه و سلم بالملائكة المقربين^۲، و هو البلد الذي بعث الله عبده و رسوله و كلمته التي ألقاها الى مريم، و روحه عيسى الذي كرمه برسالته و شرفه بنبوته، ولم يزحزحه عن رتبة عبوديته^۳، فقال تعالى: لن يستنكف المسيح أن يكون عبداً لله ولا الملائكة المقربون^۴. كذب العادلون بالله و ضلوا ضلالاً "بعيدا" ما اتخذ الله من ولد و ما كان معه من اله اذا لذهب كل اله بما خلق ولعلا بعضهم على بعض، سبحان الله عما يصفون^۵ لقد كفر الذين قالوا ان الله هو المسيح ابن مريم الى آخر الآيات من المائدة^۶، و هو أول القبلتين^۷، وثاني المسجدين^۸، وثالث الحرمين^۹، لا تشد الرحال بعد المسجدين الا اليه^{۱۰}.

۱ - اشاره است به آیه: (سبحان الذي اسرى عبده ليلا "من المسجد الحرام الى المسجد الاقصى الذي باركنا حوله...") الاسراء (۱) .

۲ - در تفاسیر قرآن و نیز در "سیرت رسول الله" از واقعه معراج چنین یاد شده که رسول الله (ص) در مسجد الاقصى در مقام پیامبران، ابراهیم و موسی و عیسی فرود آمد، جمله پیامبران از آن حضرت استقبال کرده با وی نماز گزاردند (سیرت رسول الله: ج ۱ ص ۳۹۱) .
 ۳ - سخن گفتن عیسی در قدس به هنگام کودکی در گاهواره (معجم البلدان، ج ۵، ص ۱۶۶ و ۱۶۷) .
 لم يزحزحه: زحزحه عن مكانه = ا بخله = دور نساخته است او را از مرتبه عبودیتش.
 ۴ - سوره النساء، آیه: ۱۷۲ .

۵ - سوره المؤمنون، آیه ۹۱، جواب است به مشرکان و جهودان و ترسایان در اینکه مسیح فرزند خدا نیست .

۶ - دنباله آیه: (... قل فمن يملك من الله شيئا " ان اراد ان يهلك المسيح ابن مريم و امه و من فی الارض جميعا ".... " مائدة آیه ۱۷" . دو آیه ۱۸ و ۱۹ نیز در باب قدرت ملکوتی خدا و آفرینش او است و اینکه جهودان و ترسایان گفتند که ما پسران خدایم و دوستان او و جواب ایشان بر اینکه می آمرزد خدا هر که را که خواهد و عذاب می کند هر که را که خواهد و اوراست پادشاهی آسمان ها و زمین... " .

۷ و ۸ - در باب مسجد الاقصى به عنوان نخستین قبله مسلمانان رجوع شود به صفحات پیش ..
 مسجد الاقصى پس از مسجد الحرام مقام دومین مسجد را دارد ..

۹ و ۱۰ - از پیامبر (ص) روایت است که: " لا تشد الرحال الا الى ثلاثة مساجد: مسجدی هذا (مسجد النبی در مدینه) و المسجد الحرام و مسجد البیت المقدس . و نیز ابوذر گفت رسول الله را گفتم کدام مسجد نخستین بار بر روی زمین نهاده شد ؟ گفت: مسجد الحرام . گفتم سپس ؟ گفت البیت المقدس . (معجم البلدان یا قوت: ۵/ ۱۶۶ و ۱۶۷) .

ولا تعتقد الخناصر بعد الموطنين الاعليه افلو لانكم ممن اختاره الله من عباده، واصطفاه من سكان بلاده، لما خصكم بهذه الفضيلة التي لا يجاريكم فيها مجار، ولا يباريكم في شرفها مبار، فطوبى لكم من جيش ظهرت على ايديكم المعجزات النبويه، والواقعات البديريه^۲، والعزمات الصديقيه^۳، والفتوحات العمريه^۴، والجيوش العثمانيه^۵، والفتكات العلويه^۶، جددتم للاسلام

- ۱ - منظور گشودن انگشتان دست برای دعا و نیایش است که قدس شریف از دیدگاه مسلمانان پس از مکه معظمه و مدینه منوره (حرمین شریفین) از اماکن مقدسه به شمار می آید.
- ۲ - اشاره است به دو غزوه بدر اولی یا غزوه سفوان، در جمادی الآخره سال دوم هجری و بدر کبری در رمضان همان سال. در بدر اولی رسول خدا (ص) زید بن حارثه را به جانشینی خود در مدینه گماشت و در بازگشت از غزوه عسیره ده روز نگذشته بود که کرزن جابر فهری ربه مدینه را غارت کرد. پیامبر در تعقیب وی تا وادی سفوان در ناحیه بدر شتافت و بروی دست نیافت و به مدینه بازگشت. در غزوه بدر کبری عبدالله بن ام مکتوم جانشین پیامبر در نماز بود و ابولبانه بشیر بن عبدالمنذر جانشین او در مدینه عده سپاه اسلام ۳۱۳ نفر و سپاه دشمن بیش از سه برابر در بازگشت ابوسفیان با کاروان تجارت قریش از شام به مکه او را تعقیب کردند ابوسفیان از مکه کمک خواست و در آگیری نزدیک بدر جنگ با پیروزی مسلمانان بر کفار قریش با ۱۴ شهید از مسلمین و ۷۰ کشته از قریش پایان یافت (تاریخ پیامبر اسلام ص ۲۱۹، ۲۳۰ تا ۲۶۶).
- ۳ - اشاره است به عزم جزم ابوبکر در نخستین روزهای خلافت در ۱۳ هق که سرسختانه در قبال اهل رده و پیامبران دروغین و آنانکه از دادن زکوة سرباز زده بودند ایستاد و گفت اگر از زانو بند شتری که در زمان رسول الله داده می شد بکاهند در نخواهم گذشت. و نیز اسامه بن زید را که پیامبر (ص) در آخرین روزهای حیات به جنگ موءه اعزام می داشت بلافاصله اعزام کرد و به سخن صحابه در انصراف از این تصمیم گوش فرانداد و گفت اگر درندگان مرا بدرند این کار باید انجام گیرد و من نمی توانم سنت رسول خدا را تعطیل کنم.
- ۴ و ۵ - عمده فتوحات اسلامی در زمان خلافت عمر (۱۳ - ۲۴ هق) انجام گرفت و در زمان عثمان (۲۴ - ۳۶ هق) با اعزام سپاه فراوان این کار دنبال شد.
- ۶ - فتكات، ج فتکه: حمله سریع. اشاره است به جنگاوری ها و پیشتازی های بی مانند علی (ع) که در صف مقدم مجاهدان صدر اسلام بود و از نخستین غزوه ها و سریه های اسلام علیه شرک آغاز شد. شرح شجاعت و حملات برق آسای آن حضرت در جنگهای بدر و احد و خندق و خیبر و نیز دلاوری های علی (ع) در جنگهای جمل و صفین و نهروان در روزگار خلافت که به کرات در منابع تاریخی اسلام از آن یاد شده است.

ایام القادسیه^۱، والملاحم الیرموکیه^۲، والمنازلات الخییریہ^۳، والسہجات الخالیدیہ^۴، فجزاکم اللہ عن نبیہ محمد صلی اللہ علیہ وسلم افضل الجزاء، وشکر لکم ما بذلتموه من مہجکم فی مقارعة الاعداء، وتقبل منکم ما تقربتنم بہ الیہ من مہراق^۵ الدماء، واثابکم الجنة فی دار السعداء، فاقدروا رحمکم اللہ هذه النعمة حق قدرها، وقوموا للہ تعالیٰ بواجب شکرها، فلہ تعالیٰ المنہ علیکم بتخصیصکم بہذہ النعمۃ، وترشیحکم^۶ لہذہ الخدمۃ، فہذا هو الفتح الذی فتحت لہ ابواب السماء، وتلذجت با نوارہ وجوہ الظلماء^۷، وابتهج بالملائکة المقربون، وقر بہ عینا

۱ - جنگ قادسیہ در محرم سال ۱۴ هـ ق اتفاق افتاد کہ سپاہ اسلام بر سپاہ ساسانی پیروز شد. این فتح چشمگیر نومسلمانان عرب بر سپاہ ایران کہ از حیث نفرات و آلات جنگ قابل قیاس نبود از جمله افتخارات جنگی مسلمانان صدر اسلام است. فرماندہی سپاہ ایران را رستم فرخزاد و فرماندہی سپاہ اسلام را سعد بن ابی وقاص بر عہدہ داشت. رستم در این جنگ کشته شد و درفش کاویان پرچم رسمی ایران بہ دست سپاہ عرب افتاد.

۲ - در پایان سال ۱۲ هـ ق ابوبکر پس از قلع و قمع از دین برگشتگان و پیروان پیامبران دروغین نیروئی را روانہ درہ رود اردن و فلسطین کرد. این نیرو مرزداران رومی را شکست داد. ہراکلیوس امپراطور روم شرقی (۶۱۰ - ۶۴۱ م) با سپاہی بزرگ در محلی بہ نام یرموک (میان نہر اردن و دریاچہ طبریہ) بہ مقابلہ آمد. ابوبکر خالد بن ولید را کہ در عراق می جنگید بہ یرموک فراخواند. خالد باشتابی حماسی بیابان خشک بادیه الشام را در نوردید و بادلاوری بینظیر رومیان را شکست داد. این ایام مقارن درگذشت خلیفہ بود. (کامل ابن اثیر: ج ۲ ص ۴۱۰ تا ۴۱۵).

۳ - غزوہ خیبر در محرم سال ۷ هـ ق اتفاق افتاد کہ بزرگان سپاہ اسلام از جمله ابوبکر و عمر در گشودن حصار سخت خیبر در ماندند. سرانجام پیامبر (ص) گفت علم را بہ مردی دہم کہ خدا و پیامبرش را دوست دارد و آندونیز اورا. و رایت، را بہ علی سپردوی در حالی کہ چشم درد داشت با حملہ ای برق آسا حصار بگرفت و ضربات کاری بریہود وارد ساخت. گروہی یکبارہ اورا در میان گرفته سپرش در افکندند. علی در قلعہ خیبر را بکند و سپر ساخت. دری کہ ہشت تن از گزیدگان صحابہ نتوانستند از جای برگیرند (سیرت رسول اللہ: ج ۲، ص ۸۲۰ تا ۸۲۸).

۴ - اشارہ بہ جنگاوری های خالد بن ولید از سرداران نامدار صدر اسلام است کہ در سال ۷ هـ ق اسلام آورد و پس از کسب پیروزی های چشمگیر برای اسلام در ۲۱ هـ ق در بستر بیماری درگذشت. ۵ - مہراق از ریشہ ہرق بہ معنی خون یا آب ریختہ شدہ است. در نسخہ مصحح محیی الدین ابن النجید "اعراب" بہ وجہ مصدری آمدہ کہ مناسب تر می نماید (ج ۳، ص ۳۶۷).

الانبياء والمرسلون، فماذا عليكم من النعمة بأن جعلكم الجيش الذي يفتح على يديه البيت المقدس في آخر الزمان، والجند الذي تقوم يسيوفهم بعد فترة من النبوة اعلام الايمان، فيوشك أن يفتح الله على أيديكم أمثاله، وأن تكون التهاني لأهل الخضراء^۱، أكثر من التهاني لأهل الغبراء^۲، اليس هو البيت الذي ذكره الله في كتابه، و نص عليه في محكم خطابه، فقال تعالى: سبحان الذي أسرى بعبده ليلاً "من المسجد الحرام الى المسجد الأقصى"^۳ اليس هو البيت الذي عظمته الملل، وأنت عليه الرسل، وتليت فيه الكتب الاربعه المنزله من الله عزوجل^۴، اليس هو البيت الذي أمسك الله تعالى لأجله الشمس على يوشع أن تغرب، و باعد بين خطواتها ليتيسر فتحه و يقرب^۵؟ اليس هو البيت الذي امر الله عزوجل موسى أن يأمر قومه باستنفاذ فلم يجبه الا رجلاً، و غضب الله عليهم لاجله فالقاهم في التيه عقوبه للعصيان^۶؟ فاحمدوا الله الذي أمضى عزاءكم لما نكلت عنه بنو اسرائيل، و قد فضلت (زيرنويس صفحه قبل):

۶ - ترشيح به معنی نیکو پروردن و آماده ساختن .

۷ - تبلجت از ریشه بلج، تبلج الصبح: اشرق و اضاء یعنی روشن شد. الظلماء یعنی تاریکی و ليله ظلماء = شب بسیار تاریک .

۱ - اهل الخضراء: سماواتیان: فرشتگان .

۲ - اهل الغبراء: ارضیان . مردم .

۳ - الاسراء: آیه ۱ که پیش از این توضیح داده شد .

۴ - محتمل است که منظور چهار کتاب آسمانی: قرآن، انجیل، تورات و زبور باشد .

۵ - یوشع بن نون بن افرام بن یوسف بن یعقوب صاحب و خلیفه موسی که در زمان حیاتش نبوت به وی منتقل شد . پس از مرگ هارون سه سال وصی موسی بود . در عهد منوچهر با جباران جنگید و ولایات ایشان بستند در ۱۲۶ یا ۱۲۸ سالگی مرد . یوشع با مردم کنعان (فلسطین و قدس) جنگید و برای اینکه جنگ را به پایان برد خدای به خورشید امر توقف داد (= رد شمس) (تفسیر ابوالفتوح: ج ۴ ص ۱۵۵ تا ۱۷۲: تفسیر آیات ۲ تا ۲۹ از سوره مائده) .

۶ - تفسیر آیات ۲ تا ۲۹ از سوره مائده که موسی گفت قوم خود را که یاد کنید نعمت های خدا را بر خود که پیامبران در شما گردانید و شما را پادشاهان قرار داد که هیچکس را از جهانیان نداد . ای قوم در آئید در سرزمین مقدس (بیت المقدس) گفتند ای موسی در آنجا جبارانند و داخل نشویم مگر آنکه بیرون روند آن زیانکاران . تنها دوتن دعوت موسی را اجابت کردند و خداوند بر آن دو انعام کرد ، آندو یوشع بن نون و کالب بن یوفنا بودند که عهد موسی نگاه داشتند و با جباران جنگیدند در ارض قدس (تفسیر ابوالفتوح: ج ۴ ص ۱۵۵ تا ۱۷۲) .

على العالمين^۱، و وفقكم لما خذل فيه أمم كانت قبلكم من الأمم، الماضين، و جمع لأجله كلمتكم و كانت شتى، و أغناكم بما أمضته (كان) و (قد) عن (سوف) و (حتى)، فليهنكم أن الله قد ذكركم به فيمن عنده، و جعلكم بعد أن كنتم جنوداً " لاهويتكم جنده، و شكر لكم الملائكة المنزلون، على ما هديتم لهذا البيت من طيب التوحيد و نشر التقديس و التمجيد، و ما أمطتم^۲ عن طرقهم فيه من أذى الشرك و التثليث^۳، و الاعتقاد الفاجر الخبيث، فالآن تستغفركم أملاك السموات، و تصلى عليكم الصلوات المباركات، فاحفظوا رحمكم الله هذا الموهبة فيكم، و احرسوا هذه النعمة عندكم، بتقوى الله التي من تمسك بها سلم، و من اعتصم بعروتهانجا و عصم^۴، و احذروا من اتباع الهوى، و مواقعه الردى^۵، و رجوع القهقري، و النكول عن العدا، و خذوا في انتهاز الفرصه^۶، و ازاله ما بقى من الغصه، و جاهدوا في الله حق جهاده، و بيعوا عباد الله أنفسهم في رضاه^۷ إذا جعلكم من خير عباده، و اياكم أن يستزلكم الشيطان، و أن يتداخلكم الطغيان، فيخيل لكم أن هذا النصر بسيوفاكم الحداد، و خيولكم الجياد، و بجلادكم في مواطن الجلاد، لا والله ما النصر الا من عند الله ان الله عزيز حكيم

-
- ۱ - تفسیر آیه ۴۷ از سوره بقره که خدای گفت: ای بنی اسرائیل یاد آرید نعمتی را که بر شما انعام کردم و شمارا بر جهانیان برتری دادم. آیات ۴۷ تا ۵۴ خطاب به جهودان عصر رسول الله است که خداوند نعمت خویش را برایشان به یادشان می آورد. یکی نجات از چنگ فرعون و دیگر اینکه پیامبران و پادشاهان در بین ایشان قرارداد. (تفسیر ابوالفتوح: ج ۱ ص ۱۷۲).
 - ۲ - امطتم: از ما ط میط به معنی دور شدن و اماطه به معنی ابعد و اذبه یعنی دور ساخت.
 - ۳ - تثلیث: اعتقاد به سه گانگی یا سه اقنوم (اب، ابن، روح القدس). در آیات ۱۷۱ و ۱۷۲ از سوره نساء خدا به اهل کتاب (نصاری) گوید: ای اهل کتاب در دین خود از حد نگذرید و بر خدا جز راستی مگوئید. همانا که مسیح، عیسی پسر مریم است که رسول خدا و کلمه اوست که انداخت او را به سوی مریم و روحی از او است، پس ایمان آرید به خدا و فرستادگانش و نگوئید سهاست (باور به تثلیث نداشته باشید) و دست باز دار از این باور و خیرا اراده کنید بر خودتان.
 - ۴ - اشاره به آیه ۱۰۳ از سوره آل عمران: "واعتصموا بحبل الله جميعا" و لا تفرقوا... .
 - ۵ - بر حذر باشید از اینکه به ورطه سقوط افتید.
 - ۶ - اشارت است به کلام علی علیه السلام: "... الفرصة تمر مر السحاب فانتهزوا فرص الخیر... ". وقت می گذرد چونان گذر ابر پس "مغتنم شمارید فرصت های نیکورا (نهج البلاغه: ص ۴۷۱).
 - ۷ - و من الناس من یشرى نفسه ابتغاء مرضات الله والله روف بالعباد (البقره آیه ۲۰۷).
 - ۸ - آل عمران: آیه ۱۲۶: (و ما جعله الا بشری لكم و لتطمئن قلوبكم به و ما النصر الا من

فاحذروا عباد الله - بعد ان شرفكم بهذا الفتح الجليل والمنح الجزيل ، وخصمكم بنصره المبين ،
 وأعلق أيديكم بحبله المتين - أن تقتربوا كبيرا " من مناهيه ^۱ ، وأن تأتوا عظيما " من
 معاصيه ، فتكونوا كالتي نقضت غزلها من بعد قوة أنكاثا " ^۲ ، وكالذي آتينا آياتا فانسلخ
 منها فاتبعه الشيطان فكان من الغاوين ^۳ ، والجهد الجهاد فهو من أفضل عباداتكم ،
 وأشرف عاداتكم ، انصروا الله ينصركم ، احفظوا الله يحفظكم ، اذكروا الله يذكركم ، اشكروا
 الله يزدكم ويشركم ، جدوا في حسم ^۴ الداء ، وقلع شافة ^۵ الأعداء ، و طهروا بقية الأرض
 من هذه الأنجاس التي أغضبت الله ورسوله ، واقطعوا فروع الكفر .

و اجتثوا ^۶ أصوله ، فقد نادت الأيام بالثورات الاسلاميه والملق بالمحمديه ، الله اكبر ،
 فتح الله و نصر ، غلب الله وقهر ، اذل الله من كفر ، واعلموا رحمكم الله أن هذه فرصة
 فانتهزوها ، و فريسة ^۷ فناجزوها ، و غنيمه فحوزوها ^۸ ، ومهمه فخرجوا لها هممكم وأبرزوها ،
 وسيروا اليها سرايا ^۹ عزماتكم وجهزوها ، فالأمور باوأخرها ، والمكاسب بذخاثرها ، فقد أظفركم
 الله بهذا العدو المخدول ، وهم مثلكم أو يزيدون ، فكيف وقد أضحي قباله الواحد منهم
 منكم عشرون ، وقد قال الله تعالى : وان يكن منكم عشرون صابرون يغلبوا مائتين ، وان يكن
 منكم مائة يغلبوا ألفا " من الذين كفروا بأنهم قوم لا يفقهون ^{۱۰} أعاننا الله واياكم على اتباع

۱ - اينکه مرتكب گناهان كبيره شويد .

۲ - ج نکت : هر بافتنی که باز کنند = شکستن عهد و باز کردن بافته .

۳ - اشاره به سوره اعراف آیه : ۱۷۵ = (و اتل عليهم نبا الذي اتينا آياتنا فانسلخ منها
 فاتبعه الشيطان فكان من الغاوين) .

۴ - حسم : ریشه کن کردن .

۵ - الشافة : الاصل . القرحة من اسفل القوم ، استأصل شافته : ازال من اصله .

۶ - جث و اجتث : قلعه من اصله . برکنید ریشه هایش را .

۷ - شکاری است پس بکشید آن را .

۸ - فراچنگ آرید آنرا .

۹ - سرايا جمع سریه : سپاهی که شب بردشمن گسیل دارند و معمولا " نفرات آن از ۳ تا ۵۰۰
 نفر باشد . جنگهای راکه پامبر در آن شرکت داشت غزوه و آنها را که در آن شرکت نداشت
 سریه خوانند .

۱۰ - سوره انفال آیه ۶۵ : (يا ايها النبي حرض المؤمنین على القتال . .) اگر باشد از
 شما بیست تن صبرکنندگان غالب شوند دوست نفر را و اگر باشد از شما صد نفر غالب شوند
 برهزار نفر از آنانکه کافر شدند . به اینکه ایشان گروهی اند که نمی فهمند .

أوامره، والازدجار بزواجره، و أيدنا معاشر المسلمين بنصر من عنده (ان ينصركم الله فلا غالب لكم و ان يخذلكم فمن ذا الذي ينصركم من بعده ^۱ ان أشرف مقال يقال في مقام، وأنفذ سهام تمرق ^۲ عن قسي ^۳ الكلام، و أمضى قول تحل به الأفهام، كلام الواحد الفرد العزيز العلام، قال الله تعالى: (و اذقريء القرآن فاستمعوا له وأنصتوا لعلكم ترحمون) ^۴ أعوذ بالله من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم وقرأ أول الحشر ^۵، ثم قال: أمركم و اياي بما أمر الله به من حسن الطاعة فأطيعوه، وأنهاكم و اياي عما نهاكم عنه من قبح المعصية فلا تعصوه، و أستغفر الله العظيم لي و ولكم و لجميع المسلمين فاستغفروه.

اللهم وأدم ^۷ سلطان عبدك الخاضع لهيبتك، الشاكر لنعمتك، المعترف بموهبتك، سيفك القاطع، وشهابك اللامع، والمحامي عن دينك المدافع، والذاب ^۸ عن حرمك الممانع، السيد الأجل، الملك الناصر، جامع كلمه الايمان، وقامع عبدة الصلبان، صلاح الدنيا والدين، سلطان الاسلام والمسلمين، مطهر البيت المقدس أبي المظفر يوسف بن أيوب، مخيي دولة

۱- آل عمران، آیه ۱۶۵.

۲- مرق، يمرق، موقا، مرقه بالرمح: طعنه.

۳- قسي به معنی کمان منظور رساترين تيرها که از کمان کلام افکنند.

۴- اعراف، آیه ۲۵۴.

۵- (سبح لله ما في السموات وما في الارض وهو العزيز الحكيم، هو الذي اخرج الذين كفروا من اهل الكتاب من ديارهم لأول الحشر ما ظنتم ان يخرجوا وظنوا انهم مانعتهم حصونهم من الله فأتاهم الله من حيث لم يحتسبوا وقذف في قلوبهم الرعب تخربون بيوتهم بايديهم و ايدى الموءمنين فاعتبروا يا اولى الابصار) (آیه ۱ و ۲) به گفته مفسران اين سوره در باب يهود بنى النظير نازل شد که پس از کشته شدن مسلمانان ما مور به تعليم احکام دين در دو حادثه رجيع و بئر معونه " زبان دراز کردند و گفتند پيامبرى که فرستاده خدا است چنين شکستى نخورد. پيامبر نزد ايشان رفت ابتدا قول مساعدت دادند اما بعد قصد کشتن او کردند. پيامبر از نيت آنان آگاه شد و شش شب آنان را در محاصره گرفت. سرانجام تسليم شدند که اموال خود را رها و جز دوتن که اسلام آوردند و صاحب اموال خود شدند بقيه به اذرع شام تبعيد شدند در سال ۴ هـ ق. (تاريخ پيامبر اسلام ص ۳۳۵).

۶- الناصر بالله يا الناصر لدين الله، احمد بن مستنضي، سي و چهارمين خليفه عباسى است که ساليان دراز از ۵۷۵ تا ۶۲۲ هـ ق خلافت کرد و خطيب شافعى مذهب به شيوه اهل سنت مطيع مذهبي و روحانى او بوده است.

۷- آدم از دام پيدوم: پايدار و مستدام بدار.

۸- ذبا: دفع عنه. الذاب: مدافع و حامى.

أميرالمؤمنين^١، اللهم عم بدولته البسيطة، واجعل ملائكتك براياته محيطه، وأحسن
 عن الدين الحنيفي جزاءه^٢، واشكر عن الملة المحمدية عزمه ومضاه^٣، اللهم أبق للإسلام
 مهجته^٤، ووق^٥ للإيمان حوزته^٦، وانشر في المشارق والمغارب دعوته، اللهم كما فتحت
 على يديه البيت المقدس بعد أن ظنت الظنون، وابتلى المؤمنون، فافتح على يديه
 داني الأرض وقاصيها، وملكه صياصي^٧ الكفر ونواصيها^٨، فلا تلقاه منهم كتيبة الامزقها،
 ولا جماعة الا فرقتها، ولا طائفة بعد طائفة الا احقها بمن سبقها، اللهم اشكر عن محمد
 صلى الله عليه وسلم سعيه، وانفذ في المشارق والمغارب أمره ونهيه، اللهم وأصلح به
 أوساط البلاد وأطرافها، وأرجاء الممالك وأكنافها، اللهم ذلل به معاطس^٩ الكفار، وارغم
 به أنوف الفجار^{١٠}، وانشر ذوائب^{١١} ملكه على الأمصار.

وابت^{١٢} سرايا جنوده في سبل الأقطار. اللهم ثبت الملك فيه وفي عقبه السي
 يوم الدين، واحفظه في بنيه وبنو أبيه الملوك الميامين^{١٣}، واشدد عضده ببقائهم، واقص^{١٤}،
 باعزاز أوليائه وأوليائهم. اللهم كما أجريت على يده في الاسلام هذه الحسنة التي تبقى
 على الأيام، وتتخلد على مرالشهور والأعوام، فارزقه الملك الأبدى الذي لا ينفذ في دار اليقين،
 وأجب دعاءه في قوله رب أوزعني أن أشكر نعمتك التي أنعمت عليّ و على والدي، وأن
 أعمل صالحاً" ترضاه، وأدخلني برحمتك في عبادك الصالحين^{١٥}.

- ١ - اشاره است به ناصر خليفه عباسی که صلاح الدين از هواداران مذهبی او بود و هرچند
 به استقلال حکومت می کرد اطاعت روحانی از خليفه عباسی را مراعات می کرد.
- ٢ - مهجة: خون یا خون قلب (روح) مهجة کل شیء: احسنه و خالصه.
- ٣ - ووق از وقتی، یقی. نگاهدار و پوشیده دار.
- ٤ - حوزه: مملکت، قلمرو. قلمرو: مطالعات فربنی
- ٥ - صياصي: ج صیصه: حصار و هرمانعی که بازدارند چیزی را بدان و پناه گیرند بسرآن.
 شاخ گاو و آهورا نیز گویند.
- ٦ - نواصي: ج ناصیه، پیشانی و طلیعه.
- ٧ - معاطس: ج معطس: بینی.
- ٨ - به دست او (صلاح الدين) بینی کفار را به خاک بمال.
- ٩ - ذوائب: ج ذوآبه، بلندی هر چیز ذوآبه به الملك، متقدمان یا پیشروان ملک.
- ١٠ - بهراکن. نشرده.
- ١١ - میامین: ج میمون، مبارک و فرخنده.
- ١٢ - قضی - یقضى قضاء " حاجته أتمها. اقض: برآورده ساز، رواکن.
- ١٣ - سوره النمل آیه ١٩: (فتبسم ضاحكا" من قولها و قال رب اوزعنی... گفت
 هروردگارا بدل انداز مرا....).

- ۱- تاریخ اسلام . تألیف دکتر علی اکبر فیاض . انتشارات دانشگاه تهران ، ۱۳۲۷ خ .
- ۲- تاریخ اورشلیم (بیت المقدس) تألیف دکتر سید جعفر حمیدی . تهران ، انتشارات امیرکبیر ۱۳۶۴ خ .
- ۳- تاریخ پیامبر اسلام . تألیف دکتر محمد ابراهیم آیتی . تجدیدنظر و اضافات دکتر ابوالقاسم گرجی . انتشارات دانشگاه تهران ، ۱۳۵۹ خ .
- ۴- تاریخ عرب . تألیف فیلیپ حتی . ترجمه ابوالقاسم پاینده . تبریز انتشارات شفق ۱۳۴۴ خ .
- ۵- تاریخ الیعقوبی . تألیف احمد بن ابی یعقوب ، ابن واضح . بیروت . در صادر ۱۳۷۹ هـ . ۱۹۶۰ م .
- ۶- تفسیر روح الجنان و روح الجنان . تألیف ابوالفتح رازی . تصحیح و حواشی از میرزا ابوالحسن شعرانی . تهران . انتشارات اسلامیة ، ۱۳۸۲ هـ .
- ۷- جنگهای صلیبی ، تألیف محمد رشاد . تهران . چاپ بانک بازرگانی (تاریخ چاپ ندارد) .
- ۸- راحة الصدور و آية السرور . تألیف ، راوندی ، محمد بن علی بن سلیمان . اهتمام ، محمد اقبال ، لیدن ۱۹۲۱ م .
- ۹- سیرت رسول الله (ص) مشهور به سیرة النبی ، تألیف ابن هشام . ترجمه و انشاء رفیع الدین اسحق همدانی ، قاضی ابرقوه ، مقدمه و تصحیح اصغر مهدوی . تهران انتشارات خوارزمی ، چاپ دوم ، ۱۳۶۳ خ .
- ۱۰- قرآن کریم ترجمه محمد کاظم معزی ، تهران ، انتشارات علمیة اسلامیة ۱۳۷۷ هـ .
- ۱۱- الکامل فی التاریخ . تألیف عزالدین ابی الحسن معروف به ابن اثیر . بیروت ، دار صادر ۱۳۸۵ و ۱۹۶۵ م .
- ۱۲- کلیات سعدی شیرازی . تهران ، انتشارات جاویدان علمی (تاریخ چاپ ندارد) .
- ۱۳- معجم البلدان ، تألیف یاقوت حموی رومی ، بیروت ، دار صادر ۱۳۷۴ هـ ۱۹۵۵ م .
- ۱۴- میراث اسلام یا آنچه مغرب زمین به ملل اسلامی مدیون است ، به قلم سیزده تن از مستشرقین ، ترجمه مصطفی اعلم ، تهران ، انتشارات مهر ، ۱۳۲۵ خ .
- ۱۵- نهج البلاغه ، علی علیه السلام ، گردآورنده شریف رضی ، تصحیح دکتر صبحی صالح ، بیرون چاپ اول ۱۳۸۷ هـ ۱۹۶۷ م .
- ۱۶- وفيات الاعیان و انباء آبناء الزمان ، تألیف ابن خلکان ، ابوالعباس شمس الدین تحقیق دکتر احسان عباس . بیروت دار صادر .
- ۱۷- وفيات الاعیان . . . تصحیح محمد محیی الدین عبدالحمید ، مطبعة السعادة ، ۱۳۶۷ هـ ۱۹۴۸ م .